



# **Explaining the theoretical model of realistic idealism in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran based on the statement of the second step of the Islamic Revolution**

**Ayub Nikunahad \***

**Mohsen Biuck \*\***

**Mohsen Mohammadi Khanghahi \*\*\***

**Received on: 08/04/2022**

**Accepted on: 30/09/2022**

## **Abstract**


The statement of the second step of the revolution is one of the documents that have provided the necessary grounds for theorizing about the issues of today and the future of the Islamic Revolution. Numerous issues with the approach of civilization vision in the heart of the discourse of the second step statement have been raised by the Supreme Leader of the Revolution, including the issue of foreign policy and how Iran deals with regional and international issues. The present study intends to analyze and explain the foreign policy issue of the Islamic Republic of Iran based on the theory of realistic idealism in accordance with the text of the statement of the second step of the revolution and to examine the results and application data of this theory. In this regard, first the theoretical foundations of idealism and realism are examined and then the model of realistic idealism is drawn. Then, using the content analysis method of the second step statement and coding foreign policy issues, the characteristics of idealism and realism are calculated. Findings show that although the discourse principles of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran are consistent with the logic of idealism But the performance, results and outputs of Iran's foreign policy can be analyzed and interpreted within the framework of realism theory, and there is no contradiction between idealism as opinion and realism as practice. The analysis of the statement of the second step of the revolution as one of the late strategic documents in the field of foreign policy confirms this claim and the Iranian foreign policy system can be considered as "realistic idealism".

**Keyword:** Foreign Policy, Second Step Statement, Idealism, Realism, Realistic Idealism.

---


\* Ph.D. in political science, lecturer of Padafand- Havaee -Katamolanbia University, Tehran, Islamic Republic of Iran. (Corresponding Author)

anikunahad@gmail.com

 0000-0002-5428-8551


\*\* Assistant Professor. of Padafand- Havaee -Katamolanbia University, Tehran, Iran.

mohsen.biuck89@gmail.com

 0000-0002-3042-8249

\*\*\* Ph.D Candidate of Political Studies of the Islamic revolution in Shahed University and Researcher at Supreme National Defense University/Tehran, Iran.

mohamadihi@gmail.com

 0000-0001-6023-5248



# تبیین الگوی نظری آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب

ایوب نیکونهاد\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹

محسن بیوک\*\* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸

محسن محمدی خانقاهی\*\*\*

## چکیده

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب از جمله اسنادی است که زمینه‌های لازم را برای نظریه‌پردازی در خصوص مسائل امروز و آینده انقلاب اسلامی فراهم کرده است. مسائل متعددی با رویکرد بینش تمدنی در بطن گفتمانی بیانیه‌ی گام دوم از سوی رهبری معظم انقلاب مطرح شده که از جمله‌ی آن‌ها مسئله‌ی سیاست خارجی و نحوه‌ی مواجهه‌ی ایران با مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است. پژوهش پیش‌رو در نظر دارد تا مسئله‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر اساس نظریه‌ی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه منطبق با متن بیانیه‌ی گام دوم انقلاب تحلیل و تبیین نماید و نتایج و برون داده‌های کاربست این نظریه را نیز بررسی کند. در این راستا ابتدا مبانی نظری آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی موردبررسی قرار گرفته و سپس مدل آرمان‌گرایی واقع‌بینانه ترسیم شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای بیانیه‌ی گام دوم و کدگذاری مسائل مربوط به سیاست خارجی، شاخص‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی احصاء شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه مبانی گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منطبق با منطق آرمان‌گرایی است اما عملکرد، نتایج و خروجی‌های سیاست خارجی ایران در چارچوب نظریه‌ی واقع‌گرایی قابل تحلیل و تفسیر است و بین آرمان‌گرایی در مقام نظر و واقع‌گرایی در مقام عمل منافاتی وجود ندارد. تحلیل بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به‌عنوان یکی از اسناد راهبردی متأخر در خصوص سیاست خارجی، تأییدکننده این ادعاست و می‌توان منظومه‌ی سیاست خارجی ایران را «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دانست.

**کلمات کلیدی:** سیاست خارجی، بیانیه‌ی گام دوم، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه.

\* دکتری علوم سیاسی، مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) ارتش، تهران، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

anikunahad@gmail.com ID 0000-0002-5428-8551

\*\* عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) ارتش، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mohsen.biuck89@gmail.com ID 0000-0002-3042-8249

\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

mohamadihi@gmail.com ID 0000-0001-6023-5248

## بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های مشابه در زمان وقوع آن‌ها در محیط بین‌المللی، به ماهیت و نحوه کنشگری انقلاب اسلامی اشاره دارد و طرح مفاهیم جدید توسط این انقلاب در نظام بین‌الملل برخلاف روندهای حاکم در آن است. نگاهی به محیط بین‌المللی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی نشان‌دهنده آن است که در اوضاع و احوال شرایط جهانی آن دوران، نظام دوقطبی موجود پس از یک دوره پرتنش دوره جنگ سرد به یک تفاهم موضوعی رسیده بود و یک سیستم امپریالیستی هماهنگ را شکل داده بود که برجسته‌ترین شکل آن ضدیت با آموزه‌های مذهبی و استقلال‌طلبی در اقصی نقاط جهان بود. تحت تأثیر این فضا، همه‌ی اندیشمندان علوم اجتماعی و صاحب‌نظران علم سیاست و روابط بین‌الملل، شکل‌گیری یک انقلاب مستقل بدون وابستگی به یکی از دو قطب قدرت جهانی و طرح مفاهیم کنشگری آرمان‌گرایی (متمایز از آرمان‌گرایی به مفهوم رایج آن در ادبیات روابط بین‌الملل) همانند استقلال‌طلبی و عدالت‌خواهی، نفی هژمونی حاکم بر محیط بین‌المللی با شعار نه غربی نه شرقی در چارچوب موازنه منفی تقریباً امری محال به نظر می‌رسید. با این وجود، انقلاب اسلامی در این محیط پیچیده و آشوبناک بین‌المللی علاوه بر پیروزی و تثبیت خود، به سرعت توانست علاوه بر به چالش کشیدن نظم دوقطبی موجود ادبیات و مفاهیم جدید خود را در سطح نظام بین‌الملل گسترش دهد و یک الگوی رفتاری خاص و منحصر به فرد در نظام بین‌الملل به نمایش بگذارد. از این جهت که این کنشگری را نمی‌توان بر اساس ملاحظات مادی و رایج منفعت‌طلبانه‌ی دولت‌ها در محیط بین‌المللی فعلی و بر اساس قاعده سود و زیان تبیین و تفسیر نمود چراکه پشتوانه‌ی نظری فعل سیاست خارجی دولت انقلابی برگرفته از مبانی اندیشه‌ی فقهی و اسلامی است که عمدتاً تکلیف محور است و محاسبات مادی معمول در دستگاه‌های دیپلماسی کمترین اثر بر این جهت‌گیری‌ها داشته است.

مبانی کنشگری دولت انقلابی در چهار دهه‌ی گذشته گرچه در بعد نظری و اندیشه‌ای آرمان‌گرا بوده، اما در میدان عمل همواره مبتنی بر مسیر واقع‌گرایی و با رویکردی انعطاف‌گرایانه طی مسیر نموده است. هرچند این انعطاف‌گرایی در عمل در صحنه‌ی روابط خارجی را نمی‌توان به معنای عدول از آرمان‌های دولت اسلامی و عدم پایبندی به اصول و ارزش‌ها تفسیر کرد و عده‌ای بر این

باورند که این آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، یک فرصت و ابتکار عمل سیاسی مبتنی بر عقلانیت و مصلحت در اختیار نظام جمهوری اسلامی قرار داده تا در برخورد با واقعیت‌های محیطی و بیرونی از منظری پویا با تحولات پیش رو مواجهه نماید. اما شاید بتوان گفت که عمده اشکال اساسی موجود در کنشگری سیاست خارجی در فقدان یک الگوی رفتاری مشخص و معین در محیط نظام منطقه‌ای و بین‌المللی دانست و به همین دلیل است که نوسانات در جهت‌گیری‌ها و رفتار دولت‌ها به علت مشخص نبودن حدود و ثغور عمل دولت‌ها در صحنه‌ی سیاست و روابط خارجی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، به علت عدم وجود مدل رفتاری مشخص در محیط بین‌المللی و تعریف دقیق نظام رفتاری جامع دولت انقلابی در این خصوص هم مفهوم منافع ملی و هم مصالح اسلامی در یک سردرگمی مفهومی گرفتار شده و سلیقه‌گرایی دولت‌ها در برخورد با مسائل متعدد کاملاً نمایان است به گونه‌ای که پس از در پیش گرفتن مواضع بعضاً اشتباه در دستگاه‌های اجرایی و دیپلماسی کشور پس از تذکرات و جهت‌گیری‌های رهبری معظم انقلاب این جهت‌گیری‌ها اصلاح و هم‌راستا با سیاست‌های کلی کشور می‌شود که این رویکرد عمدتاً یک رویکرد هزینه‌زاست و بعضاً سلیقه‌گرایی‌های سیاسی سبب می‌شود تا در برهه‌ای مبانی آرمان‌گرایی مورد حمله قرار گیرد و یا در برهه‌ی دیگر، منطق واقع‌گرایی محل تردید نخبگان فکری و ابزاری واقع شود. در پژوهش پیش‌رو با هدف تبیین نظریه‌ی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منطبق با بیانیه‌ی گام دوم در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که: «شاخص‌های آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی ایران و در تطبیق با بیانیه‌ی گام دوم انقلاب دربرگیرنده چه مؤلفه‌هایی است؟ و این نظریه چه تأثیری بر کنشگری و برون‌داده‌های سیاست خارجی ایران و جهت‌گیری‌های آن داشته است؟» رویکرد پژوهش تبیینی - تحلیلی است و از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی (بیانیه‌ی گام دوم انقلاب) استفاده شده است.

## ۱. پیشینه‌ی پژوهش

محمدرضا دهشیری (۱۳۷۸)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)» بر این باور است که رفع تضاد میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی یکی از معضلات نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و تاکنون

نظریه‌های گوناگونی همانند انترناسیونالیسم اسلامی، تز حکومت عملی اسلام، آموزه‌های ام‌القری و... برای رفع این تضاد مطرح شده است. وی در نهایت سعی می‌کند با بهره‌گیری از نظریات حضرت امام (ره) به تجمیع و تبیین نظریه‌ی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه بپردازد.

شهرز ابراهیمی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «بررسی و اسازانه‌ی نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی» به تبیین نقش ایدئولوژی و پیوند آن با دو رویکرد کلان روابط بین‌الملل (آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی) می‌پردازد و بر این نکته تأکید دارد که نظام سیاست خارجی ایران به‌خودی‌خود نه مغایر و نه منطبق با دو رویکرد کلان یادشده است بلکه امتزاجی از دو رویکرد یادشده با تلفیقی از ایدئولوژی دینی است.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «نظریه‌ی اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» بر این باور است که هیچ‌یک از نظریه‌های متعارف موجود در حوزه‌ی روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی قادر به تحلیل و تبیین چرایی و چگونگی فرآیند سیاست خارجی ایران به دلیل ماهیت و هویت منحصره‌فرد آن نیستند و برای درک سیاست خارجی ایران، یک رهیافت نظری مبتنی بر هویت شناسی دولت اسلامی الزامی است. وی معتقد است در چارچوب سیاست خارجی دولت اسلامی مؤلفه‌هایی همانند انسان فطری، کنش بر پایه‌ی تکلیف، عقلانیت موسع و تصمیم‌گیری عقلانی چندلایه، مفهوم تحلیلی مصلحت و... از جمله مسائل هویت‌ساز سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود.

محمد مهدی یاقوتی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر گفتمان‌های متفاوت دولت‌های بعد از انقلاب، معتقد است که سیاست خارجی در ایران همانند هویت ایرانی از تنوع، پیچیدگی، انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری برخوردار است و گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی در یک تعامل دیالکتیکی بر سازنده از هویت ایرانی شکل می‌گیرد.

وحید نوری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «منزلت طلبی به‌مثابه‌ی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» در پی آن است تا با بهره‌گیری و کاربست نظریه‌ی هویت اجتماعی و مفهوم تحلیلی «منزلت طلبی» تصویری نظام‌مند از سیاست

خارجی ایران ارائه دهد و معتقد است که جمهوری اسلامی ایران در سه دهه‌ی گذشته همواره یک دولت منزلت طلب بوده که صرفاً در این میان با استراتژی‌های متفاوت عنصر تغییر را دنبال نموده است.

قربانعلی قربان زاده سوار و علی شریعتمداری (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی پژوهشی تحت عنوان «مبانی نظری پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه‌ی سیاسی حضرت امام خمینی (ره) مطالعه‌ی موردی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست‌یافته‌اند که مؤلفه‌های پیونددهنده آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در سیاست خارجی، برگرفته از قواعد فقه سیاسی از جمله اجتهاد، عقل، منطقه الفراغ، حکم حکومتی، مصلحت، قاعده حفظ نظام و... استوار شده است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از دو نظریه‌ی آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است.

وجه تمایز پژوهش پیش رو با سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که اولاً به تبیین و ترسیم الگوی نظری سیاست آرمان‌گرایی واقع‌بینانه می‌پردازد که در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده چنین امری صورت نگرفته است. دوماً وجوه آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را بر متن و نشانه‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب منطبق می‌سازد و مشخص می‌کند که راه طی شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در منظومه‌ی فکری رهبری معظم انقلاب تلفیقی از این دو نظریه است و سوماً به تبیین پیامدها و دستاوردهای سیاست خارجی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه پرداخته است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۲-۱. آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

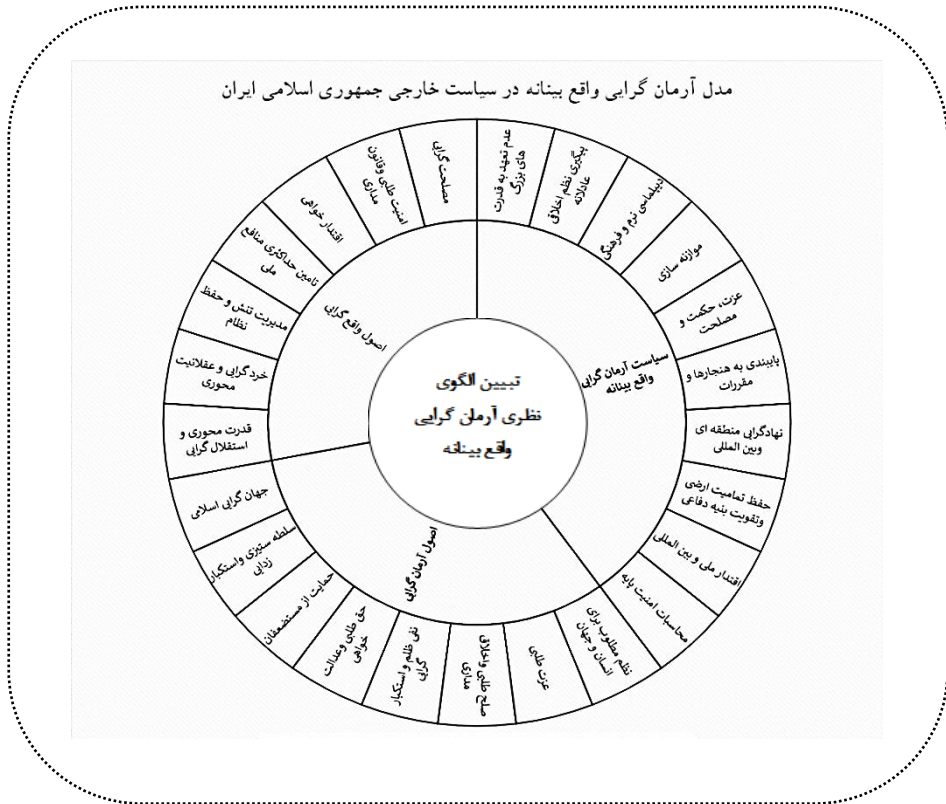
انتخاب رویکرد نظری مناسب، همواره یکی از مباحث مهم و چالش‌برانگیز در مطالعه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است و عموماً در خصوص چارچوب نظری مناسب برای فهم و تحلیل رویکرد سیاست خارجی اتفاق‌نظر وجود ندارد. با وجود سیر تحول و تطور رویکردهای نظری سیاست خارجی و پیدایش نظریات جدید اما همچنان دو رویکرد ایده آلیسم و رئالیسم بر جریان تحلیلی و کنشگری دولت‌ها در نزد صاحب‌نظران سیاست خارجی سیطره انداخته است. برخی از صاحب‌نظران برای تحلیل سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب از نظریه‌ی آرمان‌گرایی برای تحلیل رویکرد و کنشگری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره

گرفته‌اند، در مقابل افراد معدود دیگری سعی کرده‌اند با کاربست نظریه‌ی رئالیسم، رویکرد و کنشگری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تبیین نمایند. اما واقعیت این است که به علت مختصات و ویژگی‌های منحصر به فرد سیاست خارجی ایران، هیچ‌یک از این نظریه‌ها به تنهایی قابلیت فهم و تحلیل مبانی و رویکرد سیاست خارجی ایران را ندارند و به نظر می‌رسد ترکیب و تلفیق این دو نظریه می‌تواند در فهم سیاست خارجی ایران راهگشا باشد.

گرچه مبانی آرمان‌گرایی و حتی واقع‌گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مفهوم رایج آن در ادبیات روابط بین‌الملل متفاوت است و ادبیات یادشده کمترین قرابت معنایی و مفهومی با مفهوم مدنظر در سیاست خارجی ایران دارد و به دلیل تفاوت در مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مفاهیم موجود هیچ‌گاه به‌طور کامل قابل انطباق با مکاتب عرفی رایج در ادبیات بین‌الملل نیست. با این وجود، رویکرد ایده آلیسم (آرمان‌گرایی) بر پایه‌ی اندیشه‌ی امکان سازگار نمودن سیاست با اصول اخلاقی استوار است که معیارهای انتزاعی سنتی، هنجارها، قواعد، موازین حقوقی و ارزش‌های اخلاقی را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری‌های تجویزی و سیاست‌گذارانه در سیاست خارجی دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۷-۱۳۰) در این رویکرد بر پایه‌ی مفاهیم دولت دینی عناصری همانند داشتن و ترسیم یک نظم مطلوب برای انسان و جهان بشری و پیگیری آن، جهان‌گرایی اسلامی، سلطه‌ستیزی، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی و عزت‌طلبی اجزای این نظریه را شکل می‌بخشند.

در مقابل، اندیشه‌ی واقع‌گرایی که همچنان پایدارترین و مهم‌ترین نظریه‌ی روابط بین‌الملل به شمار می‌رود (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۷۳) و بر این اساس استوار است که کسب منافع شخصی و تلاش برای کسب قدرت، حفظ، افزایش و اعمال آن از واقعیت‌های جهان سیاست بوده و هست و در نزد دولت‌ها منافع ملی و کسب قدرت بالاتر از همه‌ی ایده‌ها، هنجارها و مسائل اخلاقی قرار دارد ((Vioti&Mark,1998: 6-7)). درعین حال در منظومه‌ی اندیشه‌ی دولت‌های دینی و از نوع اسلامی آن تأکید بر نظریه‌ی واقع‌گرایی نمی‌تواند به معنای عدول از آرمان‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلامی تلقی شود بلکه به معنای در نظر گرفتن و لحاظ نمودن ضرورت‌ها، شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی برای پیگیری آرمان‌ها و ادای صحیح و معقولانه‌ی تکالیف دینی در محیط بین‌المللی است. اساس این نظریه بر محیط‌شناسی راهبردی، موقعیت‌شناسی بازیگر در سطوح

سه‌گانه (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، توجه به مقدرات و محذورات محیط در جهت چگونگی و انتخاب روش مناسب برای دستیابی به اهداف استوار است. از این رو، چهار عنصر مصلحت‌گرایی، امنیت‌طلبی، اقتدار‌افزایی، خردگرایی و دوراندیشی در جهت مشکل‌گشایی پایه‌های نظری رویکرد رئالیستی را تشکیل می‌دهد.



شکل ۱: الگوی مفهومی سیاست خارجی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

سیاست خارجی ایران بعد از پیروزی انقلاب به علت مختصات گفتمانی و اقتضات عملیاتی خود همواره در بین آرمان‌گرایی در محیط درونی و واقع‌گرایی در محیط بیرونی در نوسان بوده است. در محیط داخلی در بستر تحولات تاریخی به دلایل ذهنیت جمعی تاریخی و فرهنگی ایرانیان اهداف بلندپروازانه‌ای همانند انترناسیونالیسم اسلامی و یا تبدیل شدن به یک قدرت برتر را برای خود تعریف کرده است، در حالی که محیط خارجی و چالش‌های موجود همواره موانعی اساسی



برای تحقق این بلندپروازی‌ها بوده است (قهرمان پور، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). به نظر می‌رسد ترکیب دو نظریه‌ی یادشده در چارچوب «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای فهم و تحلیل رویکرد و کنشگری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

### ۳. تبیین و تشریح الگوی نظری در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

#### ۳-۱. آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصول مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این علت که از شرع مقدس اسلام و اصول آن اخذشده است دارای مفاهیم و مضامین آرمان‌گرایانه‌ای است و این مفاهیم و آموزه‌ها در نگارش اسنادی همچون قانون اساسی و حتی اندیشه‌ی رهبران و گفتمان انقلاب اسلامی نیز خود را نشان داده است. به همین دلیل، ماهیت مکتبی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی تعاملات خارجی مرزهای غیرمادی خود را با خلق و استخراج مفاهیم مذهبی - اخلاقی همانند عدالت، حمایت از مستضعفان، جنبش‌های آزادی‌بخش و... بسیار فراتر از مرزهای مادی ترسیم می‌کند. گزاره‌های آرمان‌گرایانه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی را می‌توان مشتمل بر طرح مواردی همانند زیر دانست:

**الف)** نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و جلوگیری از نفوذ اجانب و برپایی قسط و عدل (اصول ۱۱، ۳، ۲، ۱۵۲ و ۱۵۳) که این مسائل از پایه‌های ایمانی نظام جمهوری اسلامی دانسته شده است.

**ب)** تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر که از جمله وظایف دولت برشمرده است (بند ۱۶ اصل ۳ و اصول ۱۵۲ و ۱۵۴).

**پ)** اصولی که دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌سازد تا سیاست‌های کلی خود را بر اساس «اتحاد ملل اسلامی» و وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام و همچنین حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین تنظیم کند (اصل ۱۱، بند ۱۶ اصل ۳ و اصل ۱۵۴).

**ت)** امت محوری و جهان‌مداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۱ قانون اساسی) که برگرفته از آیات قرآنی و مبانی فقهی اسلام است.

همچنین مفاهیم و مبانی نظری و انتزاعی منبعث شده از گفتمان سیاست خارجی حضرت امام خمینی (ره) به علت اقتباس از ایدئولوژی ناب اسلامی صورت‌بندی آرمان‌گرایانه‌ای دارد و این صورت‌بندی آرمان‌گرایانه‌ی متشرع، خود را در قالب گزاره‌ها و کنش‌های مکتب‌گرایانه و وظیفه‌گرایانه‌ای همانند استکبارستیزی و استضعاف زدایی و انگاره‌های نه شرقی، نه غربی (عدم تعهد)، صدور انقلاب، اسلام سیاسی، اسلام ناب محمدی، انترناسیونالیسم اسلامی (امت واحده)، سیاست نگاه به شرق، باور به مرزکشی میان خودی و غیرخودی (دارالاسلام و دارالکفر)، دگرسازی با غرب و به‌ویژه آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و غیریت سازی با اسرائیل، معنویت‌گرایی و باور به نصرت الهی، عدالت‌خواهی، ستم‌ستیزی، پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش، باور به تهاجم فرهنگی، عزت‌مداری و... تجلی پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌ها مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت نباشده است که یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی است و نباید هیچ‌کدام به آن وارد شود. در منظومه‌ی فکری رهبری معظم انقلاب همانند حضرت امام، نفی سلطه و استکبارستیزی به‌عنوان دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی واقع شده است که سایر گفتمان‌ها و مسائل دیگر سیاست خارجی حول محور آن معنا و مفهوم معنا پیدا می‌کنند. در این منظومه، نفی اصل برتری‌طلبی و تأکید بر ارزش‌های مشترک نظیر عدالت، اصول راهنمای سیاست خارجی به‌ویژه در حوزه‌های دیپلماسی چندجانبه در نهادهای بین‌المللی و دیپلماسی عمومی - فرهنگی است که مفهوم محوری آن در بیان رهبر معظم انقلاب در قالب طرح مفهوم «صلح عادلانه» ارائه شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

### ۳-۲. واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

واقعیت آن است که تجربه‌ی چند دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد، درحالی‌که نظام جمهوری اسلامی ایران در مواضع سیاست خارجی خود (سیاست‌های اعلامی) طبق قانون اساسی بسیار آرمان‌گراست، اما در عرصه‌ی عمل (سیاست‌های تنظیمی) بیشتر واقع‌گرایانه عمل کرده است. ایران پس از انقلاب با وجود داشتن آرمان‌های خاص در سیاست خارجی که عمدتاً برگرفته از

ایدئولوژی اسلامی است به عنوان یک دولت-ملت، در مواجهه با مسائل متعدد خود در عرصه‌ی سیاست خارجی واقع‌گرایانه عمل کرده و بقای کشور و نظام همواره در هسته‌ی اصلی تفکر و عمل سیاست خارجی ایران برجستگی خاص داشته است (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸، صص ۴۰-۳۵). گرچه نشانه‌های گفتمان آرمان‌گرایی در قانون اساسی بر تفکر واقع‌گرایی چیره شده است، اما رگه‌هایی از تفکر واقع‌گرایی نیز در گفتمان قانون اساسی در خصوص مسئله‌ی سیاست خارجی نیز قابل‌رؤیت است. به‌عنوان مثال تأکید بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و تقویت بنیه‌ی دفاعی (بند ۱۱ اصل ۳، ۹ و ۱۵۲) عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها (اصل ۱۵۴) و... بیانگر فهم واقع‌گرایانه‌ی تصویب‌کنندگان قانون اساسی از تحولات جهانی است. در اندیشه‌ی سیاسی رهبران انقلاب هم با وجود پشتوانه‌ی آرمان‌گرایی متشرع در صحنه‌ی نظر، در عرصه‌ی عمل و مواجهه با واقعیات، گزاره‌های واقع‌گرایانه‌ای در عرصه‌ی سیاست خارجی ظهور پیدا می‌کند و تأکید حضرت امام بر محاسبات امنیت پایه، اقتدار ملی، استقلال و خودکفایی از جمله نشانگان گرایش به واقع‌بینی در این عرصه است. به‌عنوان مثال، پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ با توجه به شرایط و اوضاع داخلی و بین‌المللی و مصالح جامعه اسلامی ایران و همچنین تأکید بر ضرورت تجهیز به تمامی قوای مادی و معنوی و بهره‌گیری از توان تسلیحاتی و تبلیغاتی در مقابله با قدرت‌های استکباری، نشانه‌هایی از تفکر واقع‌گرایی در اندیشه‌ی حضرت امام است (دهشیری، ۱۳۷۹، صص ۲۹۷) از نظر ایشان «نداشتن رابطه با دیگر دولت‌ها را هیچ انسانی... نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست خوردن و فنا و مدفون شدن است». امام (ره) حتی از این فراتر می‌رود و بیان می‌کند که «ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا معزل باشد... امروز دنیا مانند عائله و یک شهر است. وقتی دنیا وضعش این‌طور است ما نباید معزل باشیم» (رمضانی، ۱۳۸۰، صص ۶۹-۷۰).

تعقیب منافع ملی با معیار ارزش‌ها از نظر رهبری معظم انقلاب نیز نیازمند توجه به دو موضوع اساسی است. نخست این‌که بین تعقیب منافع ملی و ارزش‌ها و بین اصول با تغییر اولویت‌های سیاست خارجی کشور منافاتی وجود ندارد: «اولویت‌های سیاست خارجی و رابطه‌ی دیپلماتیک را باید در هر برهه‌ای از زمان بر اساس منافع ملی، البته در چارچوب همان نظام ارزشی و نه بیرون از آن تعریف کرد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰، صص ۴۳) از نظر رهبری انقلاب، آرمان‌گرایی همراه با واقع‌بینی، رمز پیشرفت ملت و نظام اسلامی است و فهم دقیق ترکیب ظریف آرمان‌خواهی

توأم با واقع‌بینی را امری ضروری می‌دانند. ترکیب آرمان‌گرایی با واقعیات، حرکت مجاهدانه در چارچوب تدبیر است که لازمه‌ی آن، آگاهی عموم مردم، دست‌اندرکاران و همدلی و همراهی در همه‌ی عرصه‌هاست. از نظر ایشان شرط عبور موفقیت‌آمیز از پیچ‌های تند و گردنه‌های سخت در مسیر حرکت نظام اسلامی، حفظ ترکیب آرمان‌گرایی با واقع‌بینی و نگاه صحیح به توانایی‌ها و ظرفیت‌های کشور و ملت است. عزت ملی، زندگی ایمان‌مدار، مشارکت در مدیریت کشور، پیشرفت همه‌جانبه، استقلال اقتصادی-سیاسی و برخورداری از آبروی بین‌المللی از مطالبات واقعی رهبری انقلاب است و این خواسته‌های ملت دقیقاً در جهت آرمان‌های انقلاب است و نشان می‌دهد که آرمان‌گرایی با واقع‌بینی، منافات ندارد.

همچنین سند چشم‌انداز توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۲۰ ساله که از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ آن از سوی مقام معظم رهبری به مبادی ذی‌ربط، مبنای قانون‌گذاری، اتخاذ تصمیمات کلان سیاست‌مداران و اقدامات مجریان گردیده، مهم‌ترین مصداق آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در عرصه‌ی سیاست خارجی است. در این سند، ایران به‌مثابه‌ی؛ «کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» تصویر گردیده و اهداف مبتنی بر واقع‌گرایی و عینی را ترسیم می‌کند که بستر و جهت‌دهنده‌ی تمام تصمیمات و سیاست‌هایی است که کشور را به نقطه‌ی چشم‌انداز نزدیک می‌کند (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹، ص ۴۵). سیاست خارجی کشور در افق این چشم‌انداز، مبتنی بر تعامل سازنده و هماهنگی در روابط بین‌الملل تعریف‌شده که البته به معنای وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین‌المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین‌الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می‌شود (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

### ۳-۳. آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب

همچنین تأمل در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی کدهای مربوط به سیاست خارجی در این سند بیانگر آن است که آرمان‌گرایی واقع‌بینانه به یک اصل نهادینه‌شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل‌شده و گزاره‌های موجود در بطن بیانیه و گفتمان آن نشان‌دهنده و تأییدکننده‌ی این ادعاست. مفاهیم و مضامین مستخرج شده از محتوای بیانیه‌ی گام دوم انقلاب از

طریق روش سند پژوهی نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه‌ی گذشته به پشتوانه‌ی آرمان‌های خود که عمدتاً متمایز از آرمان‌گرایی رایج در عرف و ادبیات نظام بین‌الملل است و ریشه در ایدئولوژی سیاسی اسلام و فقهات شیعی دارد در جهت‌دهی و دست‌یابی به نظم موردنظر خود که یک نظم اخلاقی عادلانه در محیط بین‌المللی است حرکت کرده است. این منطق به معنای بی‌توجهی به واقع‌گرایی و لحاظ نکردن مقدرات و محذورات بین‌المللی در تعقیب آرمان‌ها نیست بلکه نظام جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران آن در عرصه‌ی سیاست خارجی از مقتضیات و موانع محیط بین‌المللی به‌خوبی آگاه هستند، اما آنچه که مهم است ایستادگی بر این آرمان‌ها و اصول با لحاظ کردن تنگناها و تهدیدات محیط بین‌المللی است. باوجود همه‌ی این محدودیت‌ها بر اساس گزاره‌های مطرح‌شده در کلام رهبری انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم، مقدمات نقش‌آفرینی فعالانه‌ی ایران در محیط بین‌المللی فراهم‌شده و اثرگذاری این نقش‌آفرینی نیز بعد از چهار دهه از عمر انقلاب بیشتر نمایان شده است. گزاره‌ها و دلالت‌های متن بیانیه‌ی گام دوم در خصوص سیاست خارجی در قالب جدول زیر نشان داده‌شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه‌ی گام دوم

ردیف	دلالت	مؤلفه‌های موجود در بیانیه
۱	کدهای منطق آرمان‌گرایی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب در سیاست خارجی	{انقلاب اسلامی} خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده...
		{در عرصه‌ی نظام بین‌الملل} چارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید... و آغاز عصر جدید را اعلام نمود.
		شعارهای جهانی انقلاب... آزادی، اخلاق، معنویت... عزت، برادری
		به اصول خود به‌شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس
		با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده
		استکبارستیزی را به اوج رسانید... ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان
		مرزبندی با دشمن
		از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند.

بیانیه‌ی گام دوم

ردیف	دلالت	مؤلفه‌های موجود در بیانیه
۲	کدهای منطق واقع‌گرایی در متن بیانیه گام دوم انقلاب در سیاست خارجی	در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده.
		پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و... ضربت متقابل را محکم فرود آورده است.
		صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای...
		انقلاب... جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد.
		تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر...
		اتکا به توانایی داخلی به برکت تحریم دشمنان
		ثبات و امنیت و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها... ضمانت کرد.
		کشور و ملتی مستقل، مقتدر، باعزت... دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی
		تغییر معادله‌ی قدرت (چالش بر سر حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی، برچیدن سباسب آمریکا از منطقه غرب آسیا،... حمایت از مقاومت...)
		گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران (گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی ایران در غرب آسیا)
مدیریت تنش و حل مشکلات قابل حل {با غرب} از موضع حکیمانه، مصلحت-جویانه و انقلابی		

۴. پیامدهای کنشگری آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران در تطبیق با بیانیه

۴-۱. وحدت‌گرا و صلح‌طلب

برخلاف تمایزات حقوق بین‌الملل که واحدهای سیاسی را در قالب رسمی دولت‌ها با تعریف مشخص حاکمیت، سرزمین، جمعیت و... تعریف می‌کند، در اسلام واحدهایی سیاسی در قالب امت تعریف می‌شوند و مرزهای تصنعی جغرافیایی، زبانی، نژادی و قومی اهمیتی ندارند. واحد

تحلیل در متون مذهبی اسلامی و بر اساس هنجارهای موجود نه دولت سرزمین، بلکه امت اسلامی است. در حقیقت معیار تمایز امت‌ها از یکدیگر نه مرزهای موجود بلکه عامل «مذهب» است و هر گروه یا قومی که به آئین اسلام گرویده باشد در داخل امت اسلامی قرار می‌گیرد. در آیات و روایات متعددی بر امت گرایی و مسئولیت داشتن مسلمانان در برابر یکدیگر تأکید گردیده و مسلمانان را به وحدت و همکاری دعوت نموده است. در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های کسب اتحاد و عوامل اختلاف اختصاص داده شده است (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۷۴) منظور از وحدت این است که فرقه‌های مختلف مسلمان، یکدیگر را به‌طور صحیح شناسایی کرده و از جهت‌گیری‌ها و مواضع فکری و اعتقادی همدیگر مطلع گردند. وحدت اسلامی، همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک و مسلم اسلامی و در پیش گرفتن مواضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح والای امت اسلامی و اتحاد در برابر دشمنان در کنار احترام به اعتقاد هر یک از افراد مسلمان و مذهب آن‌هاست (تسخیری، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

در اصل یازده قانون اساسی که برگرفته از آیات قرآنی و مبانی فقهی است به حکم آیهی قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء / ۹۲) همه‌ی مسلمانان یک امت واحد به شمار می‌روند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق ببخشد (قانون اساسی، اصل یازدهم). گرچه اصل وحدت‌گرایی جهان اسلام مورد تأکید رهبران انقلاب اسلامی قرار گرفته و جمهوری اسلامی تلاش‌های پیگیرانه‌ای برای تحقق وحدت در سطح جهان اسلام به عمل آورده، اما به علل مختلف (موانع درونی، سیاسی و فرهنگی ...) این تلاش‌ها آن‌گونه که باید به ثمر می‌نشست به نتیجه نرسیده است و جهان اسلام در وضعیت فعلی در بالاترین سطح اختلاف و تشتت خود قرار گرفته است. ضرورت وحدت دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی تنها صرف یک شعار سیاسی و اعتقادی نبوده بلکه شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه و اولویت ارجح جهان اسلام و راه‌حل دست‌یابی به استقلال و آزادی در جهان اسلام است (قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۸)

#### ۲-۴. دیپلماسی نرم و فرهنگی (ام القراء)

دکترین ام القراء از جمله نظریه‌هایی است که در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ در خصوص نحوه‌ی چگونگی

تجمع منافع ملی با مصالح اسلامی در سیاست خارجی ایران پدیدار شده است. ابتدای این نظریه که بر منطق واقع‌گرایی بنیان شده مبتنی بر این است که در کوتاه‌مدت باید منافع ملی و نیازهای داخلی در اولویت قرار گیرد و در بلندمدت اهداف جهانشمول اسلامی را در دستور کار قرار داد. دکترین ام‌القرآ در میان نظریه‌های حداقلی (مسئولیت دولت اسلامی عمدتاً معطوف به داخل) و دیدگاه حداکثری (مسئولیت دولت اسلامی ورای مرزهای ملی) دیدگاه سومی را مطرح کرده است (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۵۸) بر اساس این دکترین، اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام‌القرآ دارالاسلام (مادر قریه‌ها) باشد به‌گونه‌ای که شکست یا پیروزی این کشور، شکست یا پیروزی اسلام به شمار آید، در این صورت، حفظ ام‌القرآ بر هر امر دیگری ترجیح دارد و حتی در صورت لزوم برای حفظ دارالاسلام می‌تواند احکام اولیه را تعطیل کند (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۲۰). بنابراین، ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدون شک ام‌القرآ جهان اسلام شده چراکه با تأسیس حکومت اسلامی، دارای دو شأن رهبری مردم ایران و امت اسلامی گردیده و با پذیرش رهبری امت اسلامی (از سوی ملت‌ها) حکومت ایران نیز موظف است علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و سایر ملت‌های جهان اسلام نیز موظف‌اند از ایران به‌عنوان ام‌القرآ جهان اسلام حمایت کنند (لاریجانی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶) گرچه دکترین ام‌القرآ شدن ایران در میان امت اسلامی به سبب تحولاتی که در دو دهه‌ی اخیر در جهان اسلام به وقوع پیوسته نتوانسته صورت عملی کاملی به خود بگیرد و تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از سوی دیگر قطب‌های قدرت (عربستان سعودی و سایر دولت‌های مرتجع منطقه‌ی خلیج فارس) برای مانع‌شدن از این امر در میان کشورهای اسلامی انجام گرفته اما به علت ماهیت حق‌طلبانه و ارزش‌گرایانه‌ی آرمان‌های انقلاب و استواری و پافشاری بر آن‌ها که برگرفته از اسلام‌گرایی سیاسی ناب است، جمهوری اسلامی توانسته است نفوذ و تأثیرگذاری فرهنگی و گفتمانی خود را در میان ملت‌های مسلمان بیش از گذشته رواج دهد. کارشکنی‌ها و مانع‌تراشی‌های نظام‌های مرتجع منطقه‌ای و نظام سلطه در مقابل گفتمان حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه‌ی انقلاب اسلامی نخواهد توانست مانع از تألیف القلوب بین ملت‌های مسلمان با جمهوری اسلامی شود و تنها تأثیر این هجمه‌ها و توطئه‌ها می‌تواند در به تأخیر انداختن ام‌القرآ شدن ایران به‌عنوان جهان اسلام تجلی یابد. هرچند که مدت‌هاست که ملت‌ها و جنبش‌های مسلمان و آزادی‌خواه منطقه، ایران را تنها ملجاء و پناهگاه خود در میان استبدادها و اختناق‌های حکام مستبد منطقه می‌دانند.



#### ۴-۳. محاسبات امنیت پایه و اقتدار ملی و بین‌المللی

یکی از موضوعات اساسی در سیاست خارجی کشورها، بحث «امنیت هستی شناختی» آن‌هاست. امنیت هستی شناختی منازعات و مناقشات پایدار در روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند. در این دیدگاه ممکن است این منازعات و مناقشات منافع فیزیکی و رئالیستی کشورها را با خطر مواجه کند، اما امنیت هویتی آن‌ها، از طریق حفظ شرافت فردی و ملی و نگاه غرورآمیز داخلی و بین‌المللی و پرهیز از شرم و سرافکنندگی بین‌المللی را تضمین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و وهاب پور ۱۳۹۴، صص ۴۸-۲۷). بر اساس این نظریه، دولت‌ها علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی و پیشینه‌سازی از قدرت مادی، به دنبال امنیت هویتی خود به‌عنوان یک کل یکپارچه‌اند و در عرصه کنشگری خود در سیاست خارجی در پی آنند تا نگرش خود به دولت و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند از آن‌ها داشته باشند را به منصفی ظهور برسانند. دولت‌ها به‌عنوان کارگزاران اجتماعی به دنبال کنش‌هایی هستند که نیازهای هویتی آنان را تأمین کند؛ این کنش‌ها را می‌توان در سه دسته کنش‌های اخلاقی (عموماً پرهزینه)، کنش‌های بشردوستانه (ناسازگار با منافع استراتژیک) و کنش‌های شرافتی (کنش‌های خطرناک) دسته‌بندی می‌گردند (برنت، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵)

با تکیه بر این دیدگاه، اگر بپذیریم که سه عامل هویت، قدرت (منافع) و امنیت، مفروضه‌های اصلی گفتمان امنیت هستی شناختی سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند، در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که هر سه عامل هویت (فراملی و ایدئولوژیکی بودن سیاست خارجی و چهره‌سازی از خود)، قدرت (اولویت منافع ملی و افزایش قدرت خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و امنیت (حفظ سرزمین و صیانت از خود) به‌صورت تعاملی و همبسته نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران ایفا کرده‌اند (محمدی و حاجی یوسفی، ۱۳۹۷، ص ۳۴). انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن با ایجاد قطب جدیدی از قدرت سبب شد تا کنش‌های جدید عمده‌تاً هویتی در سیاست خارجی ایران ظهور و بروز یابند، کنش‌هایی که نمی‌توان بر پایه‌ی منطق (هزینه- فایده) آن‌ها را تعبیر و تفسیر کرد چراکه منطق و گفتمان انقلاب اسلامی ضمن منافع محوری، هویت محور است و تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی را توأمان مدنظر دارد. در طی چهار دهه‌ی اخیر هم جمهوری اسلامی در عرصه‌ی سیاست خارجی بر آن بوده تا به‌عنوان کشوری هنجارگرا و همزمان مستقل و مقتدر در جهان اسلام و نظام

بین‌الملل حضورداشته باشد و تبدیل شدن به یک قدرت فرهنگی و مقتدر از اولویت‌های ایران در جهان اسلام و عرصه‌ی بین‌الملل بوده است.

#### ۴-۴. موازنه سازی و گسترش نفوذ منطقه‌ای

پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیم و گسترده‌ای نه تنها در جهان اسلام بلکه در نظام بین‌الملل هم به وجود آورد و معادلات و موازنه‌های تثبیت‌شده قدرت در نظام بین‌الملل را دچار چالش کرد. گرچه انقلاب اسلامی پیامدها و بازتاب‌های گسترده‌ای بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل گذاشته، اما یکی از مهم‌ترین پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی در مجموعه‌ی جهان اسلام و به‌خصوص در منطقه‌ی غرب آسیا را می‌توان مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در این منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی دانست (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶). شکل‌گیری محور مقاومت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با تأسی از اسلام سیاسی و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران بوده و با این منطبق پیوند زیربنایی یافته که عمق‌بخشی و توسعه‌ی امنیت میان ملت‌های مسلمان موجب تقویت امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گردد. گرچه در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب، مقاومت دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی مستحکمی است و رفتن به سمت مقاومت امتثال امر الهی برای ابلاغ و اجرای دستورات خداوند در جهت بندگی خدا و اجتناب از طاغوت است، اما شکل‌گیری رسمی ژئوپلیتیک محور مقاومت را می‌توان عمدتاً معطوف به رویدادهای عرصه‌ی بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا بعد از حوادث یازده سپتامبر و پیگیری طرح خاورمیانه‌ی جدید از سوی آن‌ها دانست. در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تبدیل آن به یک جبهه‌ی عملیاتی به شکل فعلی، عوامل متعددی همانند بی‌توجهی به مسئله‌ی فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی از سوی رژیم‌های مرتجع منطقه، مداخله‌ی ایالات متحده و قدرت‌های غربی در تحولات منطقه (اشغال افغانستان و عراق و...) و همچنین ترویج گفتمان استکبارستیزی در بین ملت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی و تلاش برای کسب هویت مستقل و... تأثیرگذار بوده است. در واقع جبهه‌ی مقاومت که مولد گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی است در دو وجه‌ی سلبی (نفی سلطه، نفی استکبار و استبداد ستیزی) و ایجابی (طرح مفاهیمی مانند اسلام‌خواهی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی حکومت‌ها و رهایی از وابستگی، آزادی‌خواهی و معنویت‌گرایی) توانسته است مفاهیم و موضوعات را از عرصه‌ی نظری به میدان عمل وارد کند (اسدی و رجبی،

۱۳۹۶، ص ۹۸). می‌توان گفت که شکل‌گیری جبهه‌ی مقاومت به‌عنوان یک جبهه‌ی عملیاتی، موجبات گسترش حوزه و قلمرو امنیت انقلاب اسلامی از سطح ملی و وطنی به سطح امنیت امت اسلامی را فراهم آورد و با فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام، در عمل نظریه‌ی صدور انقلاب جنبه‌ی عملی به خود گرفت.

#### ۴-۵. پایبند به قاعده عزت، حکمت و مصلحت

یکی از ویژگی‌های اندیشه‌ی سیاسی رهبری معظم انقلاب در طی سه دهه رهبری ایشان تاکنون طرح کردن، مفصل‌بندی و منسجم ساختن گفتمان‌های مختلف توسط ایشان بوده است سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» هم که سه اصل محوری و ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی‌اند، بر اساس منویات راهبردی رهبری انقلاب بنا شده‌اند. عزت به معنای شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود (حق پناه، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸) حکمت به معنای شناخت بهترین دانش‌ها و برگزیدن بهترین روش برای حل مشکلات و مصلحت به معنای تقدم منافع اجتماعی و جامعه‌ی اسلامی بر مصالح فردی و حزبی - هنجاری دیدن منافع (افتخاری، ۱۳۹۲، ص ۸۱)، هریک گوشه‌ای از مثلث سه‌ضلعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده‌اند که در صورت نقص هر کدام، اصالت سیاست خارجی مورد سؤال قرار می‌گیرد. واضح‌ترین مفهوم عزت، حفظ شأن و موقعیت جامعه و دولت اسلامی در نظام بین‌الملل است و بر مسلمانان فرض است که بر هر طریق ممکن در جامعه‌ی جهانی عزت خود را حفظ نمایند. تعبیر و تفسیر اصل عزت در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای است که در سرفصل دهم قانون اساسی بندی را تحت عنوان «نهی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد» اختصاص داده است و یا در اصل ۱۵۲ و ۱۵۳ نیز با در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، «هرگونه قرارداد که موجب سلطه‌ی بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ و ارتش و دیگر شئون گردد ممنوع است». در حقیقت اصل عزت بیانگر علو و برتری تعالیم اسلامی و بالتبع برتری جوامع اسلامی است. (الاسلام یعلو و لایعلی علیه) دولت اسلامی هم نباید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش یا کمرنگ شود (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵، صص ۱۰-۶) وجود اصل حکمت در سیاست خارجی هم بدین معناست که سیاست خارجی در نوسان بین آرمان‌گرایی افراطی و واقع‌بینی محض گرفتار نگردد و

بهبودی واقع‌گرایی، آرمان‌ها فراموش نشود و در عین حال عقلانیت حکم می‌کند که در پیگیری منافع و مصالح ملی آرمان‌های افراطی محض خارج از ظرفیت نیز تعقیب نشود بلکه با در پیش گرفتن سیاست آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که از الزامات دیپلماسی موفق متناسب با سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی است، طریق دیپلماسی طی گردد. در منظومه‌ی اندیشه‌ای رهبر معظم انقلاب، حکمت به معنای مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها، سخن و عمل سنجیده‌ی منطبق بر خرد حکیمانه با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و بینشی که می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵، ص ۱۴) تعبیر گردیده است. مصلحت هم برخلاف معنای واژه‌ای آن، به معنای اصالت دادن به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأمین اهداف و منافع ملی با رعایت موازین شرعی و اصول مصرح در قانون اساسی است. مرکز ثقل مصلحت‌گرایی، مصلحت اسلام و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان تنها دولت و حکومت اسلامی - شیعی موجود در جهان معاصر است و اولین و مهم‌ترین مصلحت هم حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به‌مثابه‌ی ام‌القری و مرکز جهان اسلام است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵).

#### ۴-۶. استقلال‌گرایی و پیگیری نظم اخلاقی عادلانه

تحولات نظام بین‌الملل از اواسط قرن بیستم و بعد از وقوع جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای در سیاست جهانی رقم خورد که شرایط را برای ظهور و بروز ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک قدرت برتر نظامی، اقتصادی، فناوری و بالتبع قدرت برتر سیاسی فراهم شد. در اثنای جنگ سرد و فروپاشی کمونیسم، گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی با شعار «پایان تاریخ» خود را تنها قدرت هژمونی در سطح بین‌المللی می‌دید و تمام سعی و تلاش خود را برای پیاده کردن ارزش‌ها و فرهنگ لیبرال جهانی (نظم نوین جهانی) که توسط به‌اصطلاح امپراطوری آمریکایی‌هاست و سازماندهی شود به کار گرفت (خداپرست و اندرزیان، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰) نکته‌ی حائز اهمیت آن است که گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی عمدتاً بر رویکرد سلبی و نفی هویت گفتمان‌های رقیب و مبتنی بر خصومت و تنازع با آن‌ها استوار است و به همین دلیل است که پس از حذف کمونیسم دچار بحران گردید، به همین جهت، اندیشمندان غربی با ارائه‌ی نظریه‌هایی مانند (برخورد هویت‌های تمدنی رقیب متعلق به باری بوزان، نظریه‌ی پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما و یا نظریه‌ی جنگ تمدن‌های هانتینگتون) تلاش کردند تا رقیب واقعی گفتمان هژمونی لیبرالیسم را شناسایی کنند.

تصویری که نظریه پردازان غربی از آینده هژمونی غرب و ایالات متحده در نظریاتی که به آنها اشاره شد ارائه داده اند مبتنی بر برتری تمدن غربی است لذا وجود تمدن های هم طراز و یا برتر که بتواند به عنوان رقیب جدی برای گفتمان آنها باشد را هم بر نمی تابند. پیروزی انقلاب اسلامی از منظر استراتژیست ها و نظریه پردازان غربی این انگاره ذهنی آنها را که رقابت غرب با اسلام که هنوز هم دارای هویتی جمعی، گسترده و قوی است را تقویت کرده است (دهقانی فیروزآبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵). حقیقت امر آن است که قدرت های نوظهوری همچون انقلاب اسلامی با تکیه بر عواملی همانند فرهنگ، مذهب و تمدن بومی و استقلال طلبانه ی خود توانسته است اهداف ترسیمی هژمونی ایالات متحده را با مانع مواجه کند. بر اساس منطق یکجانبه گرایی ایالات متحده آمریکا، نظمی که بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در عرصه ی بین المللی پدیدار شده مبتنی بر نظم تک قطبی با محوریت هژمونی این کشور است. این کشور یک نظم سلسله مراتبی را برای نظام بین الملل تعریف کرده که در رأس آن ایالات متحده (به عنوان ابرقدرت) و در مراحل بعدی قدرت های بزرگ و در رده های بعدی قدرت های منطقه ای و قدرت های ملی قرار می گیرند. تصور ایالات متحده بر این پیش فرض است که سایر بازیگران که جایگاه آنها توسط هژمونی تعریف شده، موظف اند که قواعد بازی را بر اساس ارزش ها و قواعد آمریکایی رعایت کنند و در صورتی که هریک از بازیگران برخلاف میل و خواست هژمونی به ایفای کنشگری بپردازد مورد مؤاخذه قرار گرفته و ممکن است به اشکال مختلف هم مجازات گردند. در مقابل این مدل، دیدگاه انقلابی معتقد است که نظم و سامان بین الملل کنونی ناعادلانه، نامشروع و ناپسند است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۷) و برجسته ترین رسالت جمهوری اسلامی در جایگاه رهبر جبهه ی ضد نظام سلطه تلاش در راستای برپایی یک ساختار نوین جهانی بر پایه ی عدالت و احترام متقابل است (عباسی، ۱۳۹۷، ص ۲۱) چراکه در هستی شناسی توحیدی و ایدئولوژیکی اسلامی، عدالت مبنا و پایه است و سلطه گری و عصیان به هیچ روی پذیرفته نیست (اسدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲، ص ۱۲)

#### ۴-۷. اخلاق گرایی و پابندی به هنجارها و مقررات

دین مبین اسلام همان گونه که در عرصه های فردی و اجتماعی بشر دارای برنامه و رهنمودهای خاصی است در عرصه ی روابط بین دولت ها نیز دارای رویکرد دارای اصول و قواعد خاصی است.

در نگاه هستی‌شناسانه‌ی اسلام به روابط بین‌المللی باید به دو مسئله‌ی نوع نگاه به انسان و سیاست پرداخت تا دیدگاه اسلام نسبت به محیط بین‌المللی مشخص گردد. نوع نگاه اسلام به انسان برخلاف مکتب‌های رایج در نظام بین‌الملل (مانند آرمان‌گرایی و یا واقع‌گرایی) مبتنی بر نوعی فلسفه‌ی دوبعدی به وجود است، در این نگاه وجود خیر و شر همواره در کنار یکدیگر بر نظام آفرینش سایه افکنده و بر اساس اصل حکمت بالغه‌ی الهی، شر مطلق در نظام آفرینش وجود ندارد، بلکه شر به صورت نسبی همواره مطرح است. اصل بر آن است که نظام هستی هدف‌دار و غایتمند و مملو از خیرها و خوبی‌ها باشد، اما در این میان، وجود شر و بدی‌ها را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۲۵) در خصوص ماهیت سیاست نیز اسلام به هر دو بعد مثبت و منفی مسئله توجه می‌کند. از نگاه اسلام سیاست و قدرت ذاتاً نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد، بلکه این هدف سیاست است که چهره‌ی واقعی آن را می‌نمایاند. سیاست ابزاری است در دست انسان که اگر به استیلا‌ی غریز و قوای شهوانی انسان بینجامد، از منظر دینی فاقد ارزش است و اگر این ابزار برای برتری و سیادت قوای عاقله و یا به عبارت بهتر، حاکمیت فطرت انسانی به کار گرفته شود، امری در خور توجه است (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۶۹) با تأسی به همین نوع نگاه اسلام به سرشت، ماهیت انسان و سیاست تعالیم و آموزه‌های اسلامی، روابط بین‌المللی را با جنگ و صلح همراه می‌داند، از نظر اسلام، جنگ معلول عدم تعادل رابطه‌ی فطرت و غریز انسانی است که در آن غریز بر فطرت چیره می‌گردد، در روابط خارجی اسلام نه جنگ اصل است (آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند) و نه صلح همیشگی است؛ (آن‌گونه که ایدئالیست‌ها باور دارند) بلکه از نظر اسلام پدیده‌ی جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. ایده‌ی اسلام در روابط بین‌الملل با توجه به رسالت جهانی‌اش، دعوت همگانی به سعادت و کمال است و در روابط خارجی‌اش با جوامع بیگانه نیز، اصل را بر همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۹۷). رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل درباره‌ی نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب، هنجاری است. در چارچوب این نظریه، امکان شکل‌گیری یک جامعه‌ی اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلام، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیربنایی نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند، بلکه از آنجاکه از فطرت انسانی نشأت می‌گیرد، واقعی و قابل‌کشف و تبیین هست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ص

۱۴۲). در نگاه قرآنی به روابط بین‌الملل، اصولی همانند ارتباط برادرانه در جامعه‌ی گسترده‌ی اسلامی، اصالت روابط مسالمت‌آمیز با بازیگران غیرحربی، ضرورت پابندی به مفاد قراردادها با دیگر ملل، ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه‌ی کفار بر مؤمنین گردد و... دارای اهمیت است و دولت‌های اسلامی موظف به رعایت این اصول حتی در میانه‌ی جنگ هم هستند.

جمهوری اسلامی ایران هم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی که به آن اشاره کرده‌ایم همواره در پی دستیابی به یک نظم اخلاقی عادلانه بر پایه‌ی احترام متقابل بین دولت‌ها و پرهیز از هرگونه سلطه‌گری و ستم‌کشی بوده، تجربه‌ی عملی چهل سال اخیر جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی روابط بین‌المللی به‌خوبی ثابت نموده است که علیرغم همه‌ی دشمنی‌ها و فشارهای نظام سلطه، در هیچ برهه‌ی زمانی، نقض‌کننده‌ی معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی نبوده است و به‌تمامی معاهدات بین‌المللی در چارچوب شرع مقدس اسلام و مادامی‌که با ارزش‌ها و مبانی اعتقادی و منافع ملی کشور در تضاد نباشد، پایبند خواهد بود. بنابراین دولت تراز انقلاب اسلامی علاوه بر اخلاق‌گرایی در عرصه‌ی بین‌المللی به معاهدات دوجانبه و چندجانبه با ذکر شرایطی که بدان اشاره کردیم پایبند خواهد بود و نقش مؤثر و سازنده‌ای در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگی بین ملت‌ها ایفا خواهد کرد. که این امر علاوه بر توجه به فرآیند آموزش در جهت درونی شدن این هنجارها، در میان بازیگران منطقه‌ای جهان اسلام به‌ضرورت شناخت اعضاء نسبت به حقوق متقابل، قواعد، قوانین و توافقات و احترام به زیست جهان مورد اجماع نیازمند است (بهرامی مقدم و حیدری، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی تحلیل و تبیین نظریه‌ی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه مبتنی بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است. به همین جهت در مرحله‌ی اول نظریه‌ی آرمان‌گرایی (ایده‌آلیسم) و واقع‌گرایی (رنالیسم) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از آنجایی‌که ادبیات آرمان‌گرایی در گفتمان اسلامی متمایز از ادبیات و نظریات رایج در نظام بین‌الملل است شاخص‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی احصاء شده و سپس نظریه و مدل آرمان‌گرایی واقع‌بینانه از تلفیق این دو نظریه اقتباس گردید.

روش‌شناسی پژوهش با استفاده از روش‌های تبیینی - تحلیلی و ابزارهای کتابخانه‌ای به شیوه سندکاوی، انجام گرفت و پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش بود که؛ شاخص‌های آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی ایران و در تطبیق با بیانیه‌ی گام دوم انقلاب دربرگیرنده چه مؤلفه‌هایی است؟ و این نظریه چه تأثیری بر کنشگری و برون داده‌های سیاست خارجی ایران داشته است؟ یافته‌های پژوهش بیانگر چند نکته اساسی است:

۱. تأمل در آموزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده آن است که مفاهیم و مضامین برگرفته از دین اسلام و مذهب تشیع بیشترین تأثیرگذاری بر ادبیات آن در این خصوص داشته است. طرح مفاهیم آرمان‌گرایانه در آموزه‌های سیاست خارجی ایران همانند نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از مظلومان و ایستادگی در برابر ظالمان، امت محوری، حق‌طلبی، عزت‌خواهی، اخلاق‌مداری و سایر مفاهیم آرمان‌گرایانه، همگی از پشتوانه‌های فقهی و کلامی در دین اسلام و مذهب تشیع برخوردارند. درعین‌حال، آموزه‌های فرهنگ ایرانی نیز همانند ذهنیت تاریخی ایرانیان در پیگیری آرمان‌خواهی‌های آن‌ها در محیط بین‌المللی، بر طرح و بسط این مفاهیم تأثیرگذار بوده است و در بسیاری از موارد آن‌ها را تشدید کرده است.

۲. به موازات بسط این آموزه‌ها در ادبیات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی و گفتمان رهبران آن برجسته شده و حتی در برنامه‌های سیاست خارجی (همانند برنامه‌های توسعه‌ی اول تا ششم) این ادبیات آرمان‌گرایی و تصویر مطلوب مورد انتظار خود در محیط بین‌المللی ترسیم شده اما سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در میدان عمل کاملاً واقع‌گرایانه پیشرفته است. آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به معنای نادیده گرفتن واقعیات محیط بین‌المللی و اقتضائات شرایط جهانی نبوده است و همواره همگام با شرایط و تحولات سیال جهانی در عرصه‌ی واقع‌گرایی و مسائل میدان، دیپلماسی خود را بروز رسانی کرده است.

۳. ازجمله مصادیق واقع‌گرایی در کنشگری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در بیانات رهبران و کنش‌گران سیاست خارجی نیز قابل‌مشاهده است، طرح مباحثی همانند مصلحت‌گرایی، عقلانیت محوری، اقتدارطلبی و افزایش قدرت کشور در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، امنیت محوری و موازنه سازی قدرت، پایبندی به هنجارها و مقررات بین‌المللی،



عضویت در پیمان‌های عام‌المنفعه‌ی جهانی در راستای تأمین منافع بشریت، نهادگرایی و عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، دیپلماسی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت و... اشاره کرد.

۴. این مصادیق واقع‌گرایی در کنار آموزه‌های آرمان‌گرایی، بیانگر آن است که نمی‌توان جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به جهت‌گیری‌های ضدسیستمی در روابط بین‌الملل و رفتار آنارشیک متهم ساخت. گرچه جمهوری اسلامی ایران محیط فعلی نظام بین‌الملل را ناعادلانه می‌داند و مخالف هژمونی تک‌قطبی و دوقطبی است، اما ساختارهای رسمی بین‌المللی را مشروع می‌داند و از مسیر همین ساختارهای قوام‌یافته است که در پی دستیابی به نظم اخلاقی و عادلانه‌ی مدنظر خود است.

۵. تأمل در گزاره‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز نشان‌دهنده‌ی ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در منظومه‌ی فکری رهبری معظم انقلاب است. در این منظومه، گزاره‌های آرمان‌خواهی با وجود چهار دهه از عمر انقلاب همچنان وجود دارد درعین حال دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی سیاست خارجی و در محیط نظام بین‌الملل دستاوردهای عینی و مبتنی بر تفکر رئالیستی است.

۶. کاربست نظریه‌ی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که این نظریه نتایجی همانند وحدت‌گرایی و صلح‌طلبی، پیگیری دیپلماسی نرم و فرهنگی، محاسبات امنیت پایه و اقتدار ملی و بین‌المللی، موازنه‌سازی و گسترش نفوذ منطقه‌ای، پایبندی به قاعده‌ی عزت، حکمت و مصلحت در مناسبات خارجی، استقلال‌گرایی و پیگیری نظم اخلاقی عادلانه، اخلاق‌گرایی و پایبندی به هنجارها و مقررات بین‌المللی را به دنبال داشته است.

## منابع

- قرآن کریم

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- خامنه‌ای (آیت‌الله)، سید علی (۱۳۹۰)، راهبردهای سیاست خارجی برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای (آیت‌الله)، بیانات، ابلاغ‌ها و رهنمودها، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- بیانیه‌ی گام دوم انقلاب.
- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸)، بررسی و اسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۴.
- اخوان کاظمی، مسعود، نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹)، سیاست خارجی مکتوب جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسناد بالادستی، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۴.
- برنت، استیل (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه‌ی سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسدی، حیدر، رجبی، هادی (۱۳۹۶)، نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری ایلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.
- اسدی، ناصر، رضایی پناه، امیر (۱۳۹۲)، مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و همگرایی و واگرایی آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، ش ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه، سیاست متعالیه، سال اول، شماره ۱.
- ایزدی، جهانبخش، خلفی، فرزاد (۱۳۹۰)، «راهبردهای تحقق مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل (بر پایه سند چشم‌انداز)»، رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۳-۶۸.
- بهرامی مقدم، سجاد، حیدری، مهدیه (۱۳۹۹)، چالش‌های فراروی تمدن‌نویین اسلامی در

- ۱، پیاپی ۵. رویارویی با نظام و ستفالیایی غربی، *دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۳، شماره ۴، پیاپی ۵.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۷)، *گفتارهایی درباره تقریب مذاهب اسلامی*، اندیشه تقریب، سال ۴، شماره ۱۴.
- حق پناه، رضا (۱۳۸۶)، *عزت از منظر قرآن و سنت*، *فصلنامه الهیات و حقوق*، شماره ۴ و ۵.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، *مسئولیت‌های فراملی و سیاست خارجی دولت اسلامی*، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خداپرست، یونس، اندرزیان، امراله (۱۳۹۷)، *افول هژمونی آمریکا و چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران*، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۵، ش ۵۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، *آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۱۳، شماره ۲۰.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹)، *جهانی‌شدن و هویت ملی*، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲، شماره ۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، وهاب پور، پیمان (۱۳۹۴)، *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی ج ۱۱*، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۵)، *انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان قدرت در نظام بین‌الملل*، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۳، ش ۴۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، *گفتمان اصولگرایی عدالت محور در سیاست خارجی احمدی‌نژاد*، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۵.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، مبانی فرانظریه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل، فصلنامه روابط بین‌المللی خارجی، سال دوم، ش ۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، نظریه اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول.
- رضایی اندیشمند، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم قم.
- رضایی، روح اله (۱۳۸۰)، گفتگو نیاز به نظریه، ترجمه‌ی علیرضا طیب، مجله‌ی اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۵، شماره ۱۶۷-۱۶۸.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۱)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، مجله علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- سجادی‌پور، محمدکاظم، نوریان، اردشیر (۱۳۸۹)، «برنامه‌ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بررسی رابطه قدرت منطقه‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم‌انداز» فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، صص ۴۳-۷۲.
- عباسی، صفر (۱۳۹۴)، همگرایی و وحدت جهان اسلام، پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره جدید، شماره ۱۶.
- عباسی، مجید (۱۳۹۷)، نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، ش ۲۵.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق/امنیت، سال ۱۱، ش ۳۸.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹) انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۵.

- قربان زاده سوار، قربانعلی، شریعتمداری، علی (۱۳۹۵)، مبانی نظری پیوند آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۷، شماره ۳، پیاپی ۲۱
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۵)، تقابل آرمان‌گرایی درونی و واقع‌گرایی بیرونی در سیاست خارجی در پرتو تحولات جدید، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۱۰.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز نشر و ترجمه کتاب، چاپ اول.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۶)، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- محمدی، احسانه، حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۷)، «هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یک چارچوب نظری»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
- نوری، وحید (۱۳۹۲)، منزلت طلبی به مثابه سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۶، شماره ۲.
- یاقوتی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، شماره ۱، پیاپی ۹۷.

## References

- The Holy Quran.
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran.
- Abbasi, Majid (1397), The system of domination and its conflicts in

- international relations in the discourse of the Supreme Leader; *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*;
- Abbasi, Safar (2015), Convergence and Unity of the Islamic World, *Regional Studies*, New Volume, No. 16.
  - Abahrami Moghadam, Sajjad and hidari, Mahdieh (1399), Challenges facing the new Islamic civilization in the face of the Westphalian system, *Bi-Quarterly Journal of Fundamental Studies of the New Islamic Civilization*, Volume 3, Number 1, Consecutive 5.
  - Akhavan Kazemi, Massoud and Nikonhad, Ayub (1399), Written Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in the Light of Upstream Documents, *Quarterly Journal of the Islamic Revolution*, Volume 10, Number 34.
  - Asadi, Haidar and Hadi Rajabi (2017), The Role of Resistance Culture in the Internal Security of the Elamite Republic of Iran, *Politics Quarterly*, Fourth Year, No. 16.
  - Asadi, Nasser and Rezaei Panah, Amir (2013), Principles of International System Division and its Convergence and Divergence in the Discourse of Interactionism Against Dominance, *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*;
  - Brent, Steele (2013), Ontological Security in International Relations, translated by Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi, Farzad Rostami and Mohammad Ali Ghasemi, Tehran, Research Institute for Strategic Studies. Constitution of the Islamic Republic of Iran
  - Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2007), The Discourse of Justice-Based Fundamentalism in Ahmadinejad's Foreign Policy, *Bi-Quarterly Journal of Political Science*, No. 5.
  - Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2009), Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Qoms Publishing.
  - Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2010), Principles of Trans-Theory of Islamic Theory of International Relations, *Foreign Relations Quarterly*, Second Year, Vol.
  - Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2011), Islamic Theory of Foreign

Policy: A Framework for Analyzing the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Foreign Relations Quarterly*, Third Year, First Issue.

- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Ismaili, Alireza (2016), The Islamic Revolution and the Formulation of the Discourse of Power in the International System, *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Volume 13, Issue 46.
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Peyman Vahabpour (2015), Ontological Security in Foreign Policy, Tehran, *Institute of Strategic Studies*.
- Dehshiri, Mohammad Reza (1999), Idealism and Realism in Foreign Policy from Imam Khomeini's Perspective, *Foreign Policy Quarterly*, Volume 13, Number 20.
- Dehshiri, Mohammad Reza (2000), Globalization and National Identity, *Quarterly Journal of National Studies*, Volume 2, Number 5.
- Ebrahimi, Shahrooz (2009), A Deconstructive Study of the Role of Ideology in Iran's Foreign Policy and Its Relation to Realism and Idealism, *International Quarterly Journal of Foreign Relations*, First Year, No. 4.
- Eftekhari, Asghar (2013), Genealogy of the rule of expediency in Shiite political jurisprudence, transcendent politics, first year, No. 1.
- Ghahramanpour, Rahman (2006), The Confrontation of Internal Idealism and External Realism in Foreign Policy in the Light of New Developments, *Quarterly Journal of International Studies*, Third Year, No. 2, 10 in a row.
- Ghasemi, Behzad (1399), Islamic Revolution and New Civilization Based on the Unity and Coalition of Islamic Nations, *Bi-Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 3, Number 1, 5 in a row.
- Ghasemi, Behzad (2015), The Geopolitics of the Resistance and Security of the Islamic Republic of Iran Based on the Discourse of the Islamic Revolution, *Afagh-e-Security Quarterly*, Vol.
- Ghorbanzadeh Savar, Ghorban Ali, Shariatmadari, Ali (2016), Theoretical Foundations of Linking Ideals and Realities in Imam Khomeini's Political Thought: A Case Study of the Foreign Policy of the Islamic Republic of

Iran, Contemporary Political Researches, Volume 7, Number 3, 21.

- Haghighat, Seyed Sadegh (1997), Transnational Responsibilities and Foreign Policy of the Islamic State, Tehran: Strategic Research Center Publication.
- Haghpanah, Reza (2007), Ezzat from the Perspective of Quran and Sunnah, *Theology and Law Quarterly*, No. 4 and 5.
- Izadi, Jahanbakhsh and Farzad Khalfi (2011), "Strategies for the effective and constructive realization of Iran in the international system (based on the vision document)", *Policy Guide*, Second Year, No. 3, pp. 43-68.
- Khamenei (Ayatollah), Seyyed Ali (2011), Foreign Policy Strategies Taken from the Statements of the Supreme Leader to the Ambassadors and Officials of the Islamic Republic of Iran Abroad, Tehran: Islamic Revolution.
- Khamenei (Ayatollah), Statements, Communications and Guidelines, Office for the Preservation and Publication of the Works of the Grand Ayatollah Khamenei.
- Khodaparast, Younes and Amraleh Andarzian (1397), The Decline of American Hegemony and the Fortieth Anniversary of the Islamic Revolution of Iran, *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Volume 15, Issue 55.
- Larijani, Mohammad Javad (1369), Categories in National Strategy, Book Publishing and Translation Center, First Edition.
- Larijani, Mohammad Javad (1997), Theoretical explorations in foreign policy, Tehran, scientific and cultural publications.
- Mohammadi, Ehsaneh and Haji Yousefi, Amir Mohammad (2015), "Identity, Power and Security in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: A Theoretical Framework", *Quarterly Journal of Political Science*, Volume 13, Number 2.
- Moshirzadeh, Homeira (2009), Evolution in Theories of International Relations, Tehran, Samat Publications.
- Motahari, Morteza (1983), Divine Justice, Tehran: Sadra Publications.



- Nouri, Vahid (2013), Status Seeking as Foreign Policy: A Framework for Foreign Policy Analysis of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Volume 16, Number 2.
- Ramezani, Ruhollah (2001), Dialogue on the need for theory, translated by Alireza Tayeb, *Journal of Political-Economic Information*, Volume 15, Number 167-168.
- Rezaei Andishmand, Abolghasem (2016), Dignity, Wisdom and Expediency in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Supreme Leader, Master Thesis, Baqer Al-Uloom University, Qom.
- Sajjadi, Abdul Qayyum (2002), Diplomacy and Political Behavior in Islam, *Journal of Political Science*, Fifth Year, No. 19.
- Sajjadpour, Mohammad Kazem and Ardeshir Nourian (2010), "Planning in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: A Study of the Relationship between Regional Power, Economy and Foreign Policy Based on the Vision Document", *Strategy Quarterly*, No. 56, pp. 43-72.
- Taskhiri, Mohammad Ali (2008), Discourses on the Approximation of Islamic Religions, *The Thought of Approximation*, Volume 4, Number 14.
- The Holy Quran
- Vioti, Paul & Kauppi, Mark. 1998. *International Relations Theory: Pluralism, Globalism and Beyond*. London: Longman.
- Statement of the second step of the revolution.
- Yaghouti, Mohammad Mehdi (2011), Foreign Policy Analysis and Foreign Policy Identity of the Islamic Republic of Iran, *Foreign Policy Quarterly*, Volume 25, Number 1, Consecutive 97.